

آموزش نکته به نکته دروس

تئوری گرافیک

کاردانی به کارشناسی

مبانی هنرهای تجسمی و رنگ شناسی
مکاتب هنری ایران و جهان
اصول و هنر گرافیک
طراحی

گردآوری و تالیف : علی ندیمی

آموزش نکته به نکته دروس

کنکور گرافیک

کاردانی به کارشناسی

(۱) مبانی هنرهای تجسمی و رنگ‌شناسی

(۲) مکاتب هنری ایران و جهان

(۳) اصول و هنر گرافیک

(۴) طراحی

۳۱۱۰۴

کارشناسی ناپيوسته

تهیه و تدوین

علی ندیمی

فهرست مطالب

بخش اول - مبانی هنرهای تجسمی و رنگ‌شناسی

قسمت اول: مبانی هنرهای تجسمی

۷	فصل اول - مفهوم هنرهای تجسمی
۸	فصل دوم - عناصر بصری
۲۶	فصل سوم - کیفیات خاص بصری
۳۴	فصل چهارم - فضا در آثار هنرمندان تجسمی
	قسمت دوم: رنگ‌شناسی
۴۲	فصل پنجم - مفهوم رنگ و فیزیک رنگ
۴۴	فصل ششم - دسته‌بندی رنگ‌ها
۴۵	فصل هفتم - کنتراست رنگی
۴۶	فصل هشتم - تأثیرات بصری و روانی رنگ‌ها

بخش دوم - مکاتب هنری ایران و جهان

قسمت اول: مکاتب هنری ایران

۵۰	فصل اول - قرون اولیه اسلام - سلجوقیان
۵۴	فصل دوم - هنر مغول
۵۵	فصل سوم - هنر تیموری
۵۷	فصل چهارم - هنر صفویه
۶۱	فصل پنجم - هنر زند و قاجار
	قسمت دوم: مکاتب هنری جهان
۶۶	فصل ششم - رنسانس
۷۱	فصل هفتم - باروک، روکوکو، نئوکلاسی سیزم
۷۲	فصل هشتم - رمانتیسیسم و رئالیسم
۷۴	فصل نهم - امپرسیونیسم یا دریافت‌نمایی
۷۶	فصل دهم - قرن بیست و جلوه‌های هنر نو

بخش سوم - اصول و هنر گرافیک

۹۲	فصل اول - تاریخ هنر تمدن‌های باستانی
۱۲۴	فصل دوم - هنر گرافیک در ایران و جهان
۱۳۲	فصل سوم - بسته‌بندی، چاپ، صفحه‌آرایی، خط در گرافیک
۱۸۶	فصل چهارم - هنر عکاسی
۲۱۲	فصل پنجم - اشکال و تصاویر

بخش چهارم - طراحی

۲۵۲	فصل اول - مهمترین نکات در طراحی
۲۵۸	فصل دوم - اشکال و تصاویر

به نام خالق یکتا

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از مهمترین نکات و تشریح دروس تخصصی رشته‌های ارتباط تصویری و هنرهای تجسمی ، در تهیه کتاب از منابع بسیاری از کتاب‌های مرجع و نیز کتاب‌های درسی هنرستان و دانشگاهی استفاده شده است.

با توجه به در دسترس نبودن منبعی مشخص برای کنکور کارشناسی ناپیوسته سعی شده است تا مجموعه‌ای نسبتاً کامل در اختیار هنرجویان قرار گیرد.

با توجه به حجم سنگین مطالب سعی شده است تا گفتارها هرچه به اختصارتر و موجزتر بیان گردد و از پراکندگی مطالب جلوگیری شود. امید است تا با راهنمایی کلیه اساتید و نیز هنرجویان محترم در جهت تکمیل نمودن و رفع نقایص کتاب کوشیده شود.

در خاتمه لازم است تا کمال تشکر و سپاس‌گذاری خود را از زحمات صمیمانه و بی‌دریغ جناب آقای مهندس محمد یگانه ، مهندس بهناز عمادی و مریم ندیمی ابراز دارم.

با آرزوی توفیق و سعادت برای شما هنرپژوهان محترم

علی ندیمی

پاییز ۹۳

بخش اول

مبانی هنرهای تجسمی

قسمت اول

مبانی هنرهای تجسمی

فصل اول

«مفهوم هنرهای تجسمی»

شرط دیدن اشیاء توسط عضو بینایی وجود نور است. مهمترین فرآیند دیدن همزمانی فعالیت های مختلف در آن است که به آن Syncretistic می‌گوییم. یک پیام بصری میتواند شامل: اندازه، جنسیت و نوع رنگ باشد.

آگاهی بصری از طریق دیدن حاصل می‌گردد. معانی بصری یا به صورت رمز، نماد، سمبل و یا حس و تجربه‌ای مشترک از محیط پیرامون عنوان و مطرح می‌گردد.

پیام‌های بصری به سه صورت: انتزاعی، نمادین یا سمبلیک و شبیه‌سازی، بیان و دریافت می‌شوند و با مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند.

در خرده‌نگاره‌های ایرانی تباین رنگها و زوایای دید مختلف از جمله عوامل اصلی ایجاد فضای حاکم بر تصویر است.



ساختن کاخ خورنق - اثر: استاد کمال‌الدین بهزاد

هنرهای تجسمی به آن دسته از هنرها اطلاق می‌گردد که قابلیت تجسم و شکل‌پذیری داشته و توسط حس بصری درک می‌شوند که به عنوان مثال عبارتند از: گرافیک، نقاشی، معماری، طراحی، طراحی صنعتی یا سینما، پیکره‌تراشی، عکاسی و ...

به طور کلی ساختن و فهمیدن آثار هنرهای تجسمی موضوع اصلی مبانی هنرهای تجسمی است.

از قرن بیستم واژه هنرهای تجسمی جایگزین واژه هنرهای زیبا گردید.

چشم به عنوان مهمترین عامل فراگیری در هنرهای تجسمی دو وظیفه بر عهده دارد:

(۱) دیدن

(۲) نگاه کردن

دیدن فرآیندی طبیعی است که چشم در برابر دریافت نور از خود نشان می‌دهد.

نگاه کردن را می‌توان تلاش و کنکاشی بصری به جهت درک خصوصیات و جزئیات هر چه بیشتر محیط پیرامون دانست که امری ارادی است.

چشم به عنوان داشتن سلامت و درک روشن از طبیعت در هنر مصر مورد توجه بوده است، در هنر بین‌النهرین نیز چشم به عنوان دریچه روح همواره مورد توجه بوده و بزرگ‌تر از حد معمول ترسیم می‌شده است.



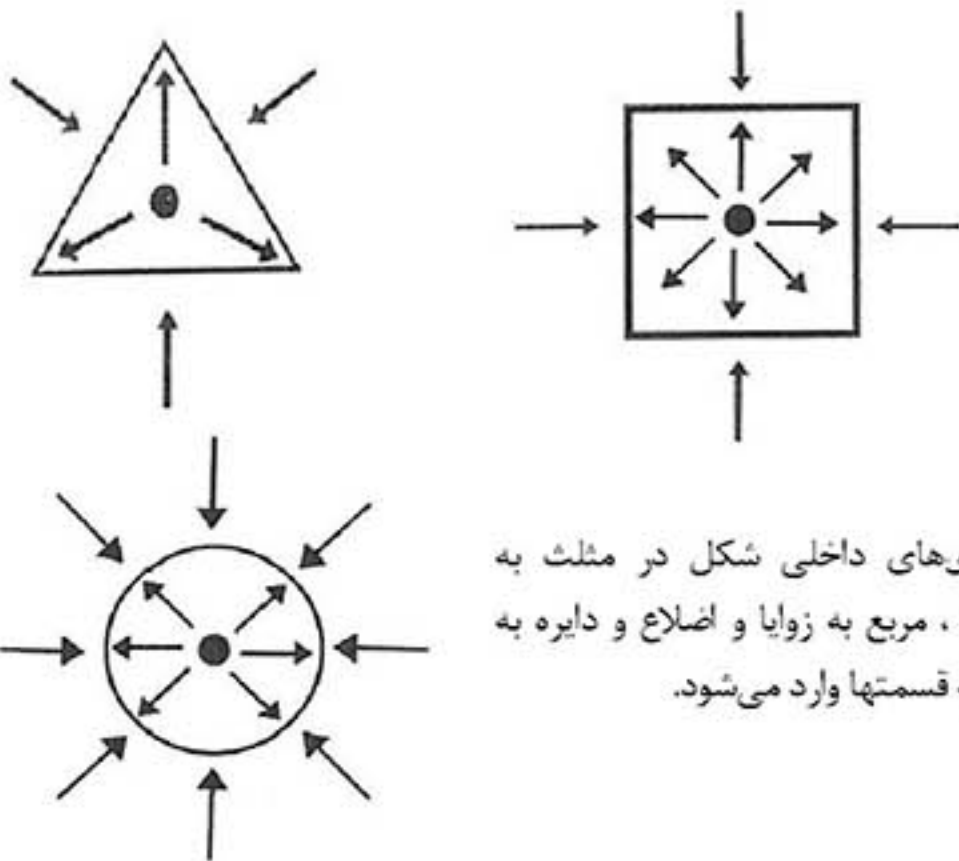
چشم در هنر مصر باستان نشانه سلامت و داشتن درک روشن از طبیعت است.

دو وظیفه مهم کادر :

۱) کنترل انرژی‌های داخلی که به سمت خارج کادر گرایش دارند.

۲) کنترل انرژی‌های خارجی که به سمت داخل کادر گرایش دارند.

فضای داخل کادر زمانی فعال می‌شود که عنصری بصری را داخل کادر قرار داده و انرژی‌های بصری داخل کادر را فعال نماییم.



عناصر بصری با توجه به شکل کادر در داخل آن قرار می‌گیرند. هر چه زوایا تندتر باشند از انرژی بیشتری برخوردار می‌باشند.

دایره شکلی است که انرژی آن در تمامی نقاط یکسان است این شکل در بسته‌بندی به بهترین نحو ممکن از محتویات خود حفاظت می‌کند.

اولین عامل شکل‌گیری یک تصویر کادر یا محدوده است.

به طور کلی عناصر و نیروهای بصری در هنرهای تجسمی به دو دسته تقسیم می‌گردند:

۱) عناصر بصری

۲) کیفیات خاص بصری (و یا همان مفاهیم خاص بصری یا نیروهای بصری)

عناصر بصری الفبا و زبان گویای هنرهای تجسمی می‌باشند که هنرمند از این عناصر در جهت هر چه بهتر و شیواتر بیان کردن مقاصد خود استفاده می‌کند.

عناصر بصری به ترتیب عبارتند از: نقطه، خط، سطح، حجم، شکل، بافت، رنگ، اندازه، تیرگی و روشنی.

عناصر بصری عناصری نسبی بوده که این نسبت با توجه به مکان و زاویه دید معنا می‌یابد.

کیفیات خاص بصری: از تجربه و ممارست هنرمند در بکارگیری عناصر بصری کیفیات خاص بصری شکل می‌گیرند.

هنرمند با توجه به چگونگی به کارگیری و شناخت کافی از ویژگی‌های عناصر بصری می‌تواند به بیان مفاهیم خود از

غالب این اشکال بپردازد که عبارتند از: کنتراست، ریتم، تعادل، تناسب، هماهنگی، تقارن و ...

کادر

محدوده‌ای است که اثر تجسمی را در خود جای داده، گنجانده و قاب می‌کند کادر اثر را از محیط اطراف خود جدا کرده و نگاه مخاطب را به داخل خود معطوف می‌نماید. کادر با گونه‌گونه‌ای اشکال خود ویژگی‌ها و حالات متفاوتی را القا نموده و در قسمت‌های مختلف خود دارای انرژی‌های متفاوتی است که قابلیت فعال شدن را دارا می‌باشند.

فصل دوم**«عناصر بصری»****نقطه (point)**

نخستین بعد یک اثر هنری بوده و می‌تواند دارای رنگ، وزن، اندازه و ... باشد.

نقطه بعد نداشته، یعنی می‌تواند دارای بینهایت بعد باشد.

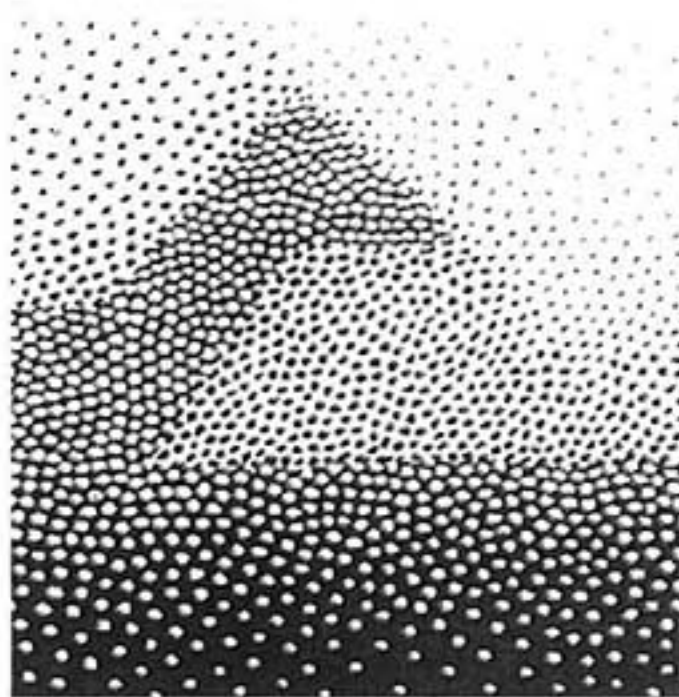
نقطه گویای زمان حال است و به صورت هندسی و غیر هندسی در طبیعت دیده می‌شود.

نقطه تنها عامل تمایز میان حروف مشابه در نگارش فارسی است.



مجموعه‌ای از نقاط غیر هندسی که با کاهش و افزایش وزن در کنار هم قرار گرفته‌اند.

اگر نیروی وارد شده به نقطه از درون بر مرزهای بیرونی آن نقطه فقط در یک جهت باشد خط حاصل می‌شود. اگر نیروی وارد شده به نقطه از درون بر مرزهای بیرونی آن نقطه در دو جهت باشد نقطه در دو بعد فیزیکی گسترش یافته (درازا- پهنا) و حاصل سطح است. اگر نیروی درونی نقطه در تمامی جهات (سه و یا بیشتر) بر آن انرژی وارد کند نقطه از همه سو بزرگ شده و عنصر حجم به وجود می‌آید (درازا - پهنا - ژرفا یا عمق) حرکت نقطه در یک جهت ← خط (طول) حرکت نقطه در دو جهت ← سطح (طول+عرض) حرکت نقطه در سه جهت ← حجم (طول+عرض+ارتفاع) بعد چهارم در هنرهای تجسمی زمان و حرکت است. تداوم نقاط در نظمی خطی ایجاد تاریک روشن و بافت می‌کند.



تصویر خط قائم بر پرده تصویر نقطه است.

نقطه عنصری است ملموس و قابل رویت.

نخستین برخورد ابزار با سطح یا رویه مادی نقطه است. نقطه موجودی است نسبی که قابلیت تبدیل شدن به عناصر بصری دیگر را داشته و با حرکت خود در جهات مختلف می‌تواند این عناصر را خلق کند.

کوچکترین واحد مستقل در تصویر را پیکسل می‌گوییم. نقطه در موسیقی به شکل ضربات قاطع بر ساز آشکار می‌گردد و به طور کلی سازهای ضربی منشاء نقاط صوتی (گویا) هستند.

نقطه در هنر معماری از برخورد سه گستره و به شکل گوشه نوک تیزی از یک گنج حاصل می‌شود، مانند گوشه‌های یک هرم.

نقطه در معماری عصر گوتیک در ساختمانها دیده می‌شود. نقطه گویای زمان حال است و اگر گذشته‌ای برای آن قائل شویم آن گذشته می‌تواند خط بوده و آینده اش مورد شک و تردید است.

«بدانکه اصل خط نقطه است. هرگاه دو نقطه یا سه نقطه را به هم پیوستی خط شد. بعد از آن هر کسی دخلها کرد و در هر عصری خطی وضع شد و به اسمی موسوم گشت»: گلستان هنر اثر قاضی احمدمنشی قمی

نقطه در سبک پوانتیلیسم کاربرد به سزایی داشته است، مانند آثار ژورژ سورا.

نقطه می‌تواند به صورت اشکال هندسی: دایره، مثلث، مربع و یا ترکیب منظم و ساده این اشکال باشد. (سه شکل اصلی)

نقطه می‌تواند به صورت غیر هندسی در طبیعت وجود داشته باشد. مانند: لکه‌ای ابر در آسمان، تک درختی در پهنه دشت، جای پای بر ساحل و یا حفره‌ای در دل کوه. نقطه غیر هندسی از ترکیب نامنظم و پیچیده‌ی اشکال هندسی به وجود می‌آید و ما از تجزیه پیچیده‌ترین اشکال موجود در طبیعت نیز به سه شکل اصلی هندسی می‌رسیم. به طور کلی نقطه تجسمی شکلی خاص نداشته و اندازه آن نیز نسبی است.

حالات مختلف جایگیری نقطه در کادر

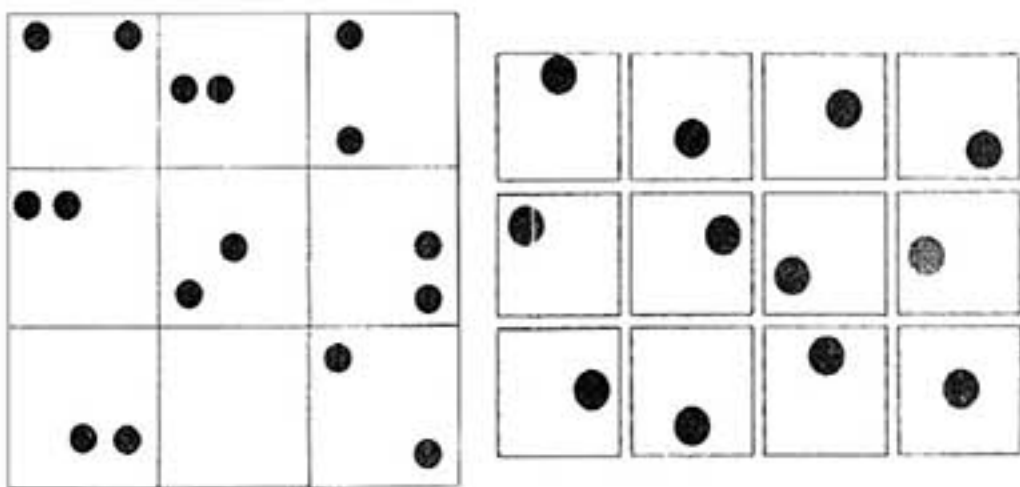
نقاط با قرار گرفتن در قسمت های مختلف در کادر حالات متفاوتی را القا می کنند.

مهمترین حالات جایگیری نقطه در کادر نقطه تعادل یا میانی است که از نظر انرژی خنثی است.

نقطه در بالای کادر القاء حالات سبکی و در پایین کادر القاء حالت سنگینی را دارد.

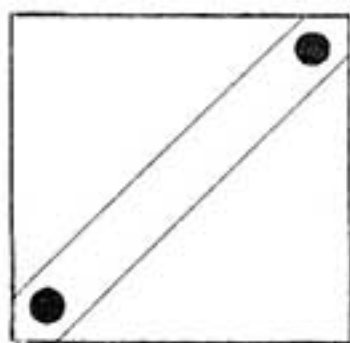
سبکی و سنگینی نقاط در کادر با توجه به جاذبه زمین در نظر گرفته می شود.

هر چه نقاط از مرکز کادر فاصله گرفته و به سمت زوایا و گوشه های آن میل کند ناپایداری و نامتعادل تر شده و از انرژی بیشتری برخوردار می گردند.

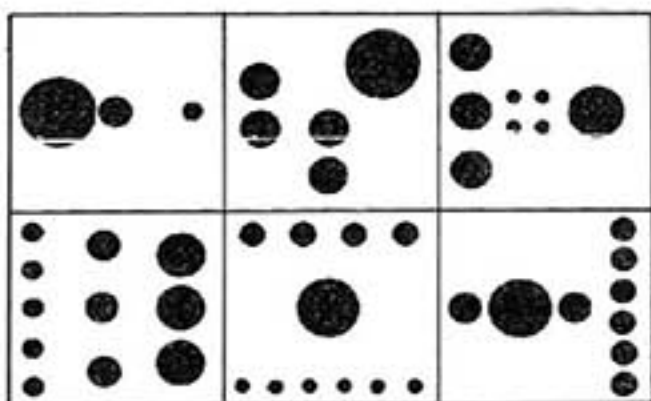


حالات مختلف جایگیری نقطه در کادر (تعادل، ناپایداری، گریز، وقار، سبکی، سنگینی، جاذبه، دافعه)

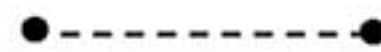
دو نقطه ای جدای از هم القای حالت خط کرده و کادر را به دو قسمت مساوی تقسیم می کنند.



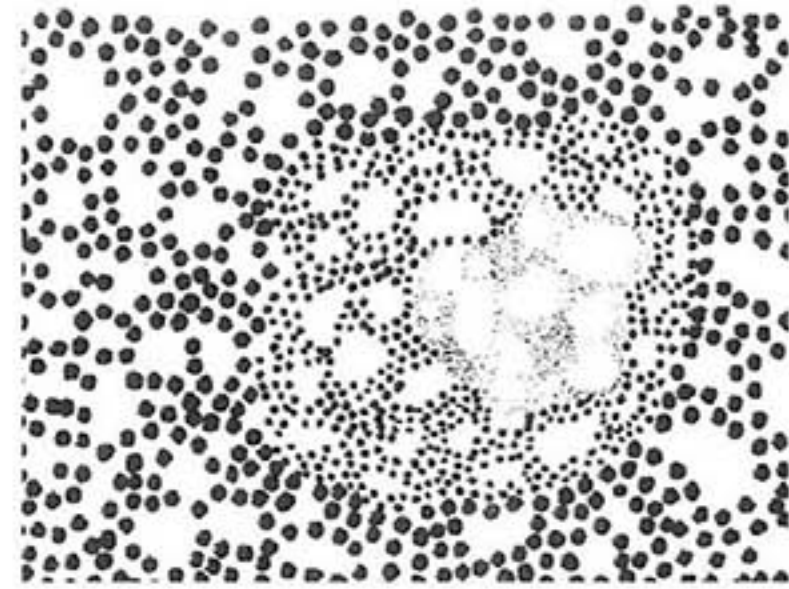
نقاط بزرگتر همواره نقاط کوچکتر را به خود جذب می کنند.



نقطه در آغاز و پایان خط وجود دارد.



هر چه نقطه بزرگتر شود از تمرکز درونی اش کاهش می یابد. نقطه تکثیر شده تاریکی و روشنی ایجاد می کند.



با کاهش و افزایش فواصل میان نقاط می توان تجمع، تمرکز و پراکندگی را القاء نمود.

در فن چاپ تراکم و انبساط نقاط عامل ایجاد تصویر است.



نقطه ساده ترین و تجزیه ناپذیرترین عنصر در ارتباط بصری است.

نقطه کوچکترین واحد و نشانه بصری است.

نقطه تجسمی بیش از یک بعد فیزیکی و هندسی دارد.

نقطه می تواند برجستگی ها و فرو رفتگی های روی اجسام بوده و به طور کلی نقطه بخشی از یک اثر هنری را تشکیل می دهد.